

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خطبه فکیر

تهیه و تنظیم:  
گروه پژوهش مؤسسه بیان معنوی

بیان معنوی

## فهرست

- ۴ ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا
- ۶ هدف از آفرینش
- ۷ فلسفه ثواب و عقاب
- ۷ شهادت به رسالت حضرت محمد (ص)
- ۸ وضع مردم قبل و بعد از بعثت
- ۱۰ وفات رسول خدا (ص)
- ۱۱ قرآن میراث پیامبر در میان امت
- ۱۲ اسرار عبادات و احکام دین
- ۱۵ معرفی خود و خدمات پیامبر
- ۱۸ حقارت مردم قبل از اسلام
- ۱۹ علی علیه السلام و فداکاری‌های او
- ۲۰ سرزنش رفاه طلبان و فتنه‌گران
- ۲۱ ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر
- ۲۲ غصب خلافت
- ۲۴ آری شما سوار بر ناقه خلافت شدید
- ۲۵ دادخواهی در باره غصب فدک در برابر ابوبکر
- ۲۸ عذاب قیامت برای غاصبان
- ۲۹ سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان
- ۳۲ و آنچه در کتاب خداست، این است
- ۳۲ حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمیکنید؟
- ۳۷ هشدار به غاصبین خلافت
- ۳۹ پاسخ ابوبکر
- ۴۰ هشدار و اتمام حجّت نهایی حضرت به مسلمانان



علامه طبرسی در کتاب احتجاج به نقل از عبدالله بن حسن نواده امام مجتبی علیه السلام، از پدرانش چنین نقل می‌کند: هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا سلام الله علیها رسید، لباس برتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان بسوی مسجد روانه شد، به مسجد پیامبر(ص) درآمد، و در پشت پرده‌ای نشست و ناله‌ای سرداد. مردم به گریه افتادند و مجلس به خروش آمد و منقلب شد. حضرت لحظاتی سکوت کرد تا همه‌ی مردم خاموش و گریه‌ی آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آن‌گاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود، و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود.



## ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بریگانگی خدا

تحسین و ستایش سزاوار خدای بی همتاست،	الْحَمْدُ لِلَّهِ،
برای نعمت‌هایی که عطا فرمود،	عَلَى مَا أَنْعَمَ،
و شکر و سپاس سزاوار اوست،	وَلَهُ الشُّكْرُ،
برای آنچه الهام فرمود،	عَلَى مَا أَلْهَمَ،
و درودها شایسته اوست،	وَالسَّنَاءُ،
برای آنچه از پیش عطا فرمود،	بِمَا قَدَّمَ،
از نعمت‌های گسترده‌ای، که آغاز نمود،	مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا،
و روزی‌های فراوانی که، ارزانی داشت،	وَسُبُوعِ الْأَيَّامِ أَسَدَهَا،
و عطایای ارزشمندی که، پی در پی افزود،	وَتَمَامِ مَنَنِ وَالْأَهَا،
فراتر از آنکه، شمارش شوند،	جَمَّ عَنِ الْأِحْصَاءِ عَدُّهَا،
و ماندگارتر از آنکه، قابل بازگشت و جبران باشند،	وَنَائِي عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدَهَا،
و پایانش، فراتر از آنکه، قابل ادراک باشد،	وَتَفَاوَتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدَهَا،



۱ آلاء: نعمت‌ها، اَسَدَى: بخشیدن، والا (اولی): بخشیدن، پی در پی، نَائِي: دور است، اَمَد: غایت و پایان، تَفَاوَتَ: دور شدن، نَدَبَ: فراخواند، اِحْزَال: زیاد کردن، بخشش فراوان، تَتَّى: دوباره، تکرار کرد،



و برای ازدیاد نعمت‌ها، آنها را به شکر خویش فراخوانده،	وَنَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا،
و برای تکمیل آنها، مردم را به ستایش خود دعوت نموده،	وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِهَا،
و برای بدست آوردن امثال آنها، بازهم تشویق فرموده،	وَثَنِي بِالنَّدْبِ، إِلَى امثالِهَا،
و شهادت میدهم،	وَاشْهَدُ،
که معبودی نیست، جز خدای یکتای بی شریک،	أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،
سخنی که،	كَلِمَةً،
مصدّق خارجی آن را، اخلاص قرار داده،	جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا،
و روح آن را، به قلب‌ها پیوند داده،	وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُولَهَا،
و ادراک عقلی آن را، به روشنی برای عقول میسر کرده،	وَآنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا،
چرا که دیدنش با چشم‌ها، غیر ممکن،	الْمُمْتَنِعِ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ،
و بیان اوصافش با زبان، محال،	وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ،
و درک چگونگی او در پندار، ممتنع است،	وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ،

۲ ضَمَّنَ: ضمیمه کرد، آنارَ: روشن کرد، أَنشَأَ: ایجاد کرد، إِخْتِذَاءً: پیروی کردن، اِقْتِبَاسَ، كَوَّنَ: به وجود آورد، ذَرَأَ: تکثیر و بذریاشی، مَشِيَّتَ: خواست، تَنْبِيهَ: متوجه کردن،

## هدف از آفرینش

خداوند اشیاء را تازه آفرید، نه از چیزی که موجود باشد،	إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ، لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا،
و ایجادشان کرد، نه با پیروی و تقلید از چیزی،	وَأَنْشَأَهَا، بِلَا حَتِّدَاءٍ أَمْثَلَةٍ أَمْثَلَهَا،
و هستی بخشید، با قدرت خویش،	كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ،
و آنها را تکثیر و پراکنده ساخت، آنچنانکه خواست،	وَذَرَّأَهَا بِمَشِيئَتِهِ،
بی آن که به آفرینش آنها، نیازی داشته باشد،	مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا،
یا از صورت بندیشان، سودی برده باشد،	وَلَا فَايِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا،
جز آنکه، حکمتش را، به اثبات رسانده،	إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ،
و مردم را، به اطاعت خود، توجّه داده باشد،	وَتَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ،
و قدرتش را از این دریچه ظاهر نموده،	وَأَظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ،
و زمینه پرستش را، برای مخلوقاتش، فراهم آورده باشد،	وَتَعْبُدًا لِبَرِيئَتِهِ،
و به دعوت پیامبرانش، قوت بخشیده باشد،	وَأَعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ،



## فلسفه ثواب و عقاب

سپس، برای اطاعتش، پاداش‌ها مقرر فرمود،	ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ،
و برای معصیتش کیفرها، وضع نمود،	وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ،
تا بندگان را از خشم و عذاب انتقام خود دور کند،	ذِيادَةً لِّلْعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ،
و آنها را به سوی رحمت و باغ‌های بهشتش، سوق دهد،	وَحَيَاةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ،

## شهادت به رسالت حضرت محمد (ص)

و گواهی می‌دهم که پدرم،	وَأَشْهَدُ أَنِّي،
محمد بنده و فرستاده اوست،	مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،
او را در علم خویش - انتخاب کرد،	إِخْتَارَهُ،
پیش از آن که، او را بفرستد،	قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ،
و در علم خود - نشانه کرد،	وَسَمَّاهُ،
پیش از آن که انتخاب و نامزد کند،	قَبْلَ أَنْ إِجْتَبَاهُ،
و او را گزینش کرد،	وَأَصْطَفَاهُ،
پیش از آنکه، او را به پیامبری، برانگیزد،	قَبْلَ أَنْ يُبْتِغِيَهُ،
در حالیکه مخلوقات،	إِذِ الْخَلَائِقُ،

۳ ذیادَةً: دور کردن، حیاة: سوق دادن، سَمَّا، نشانه کرد، أَهْوَيْل: شدید و ترس آور، عَزِيْمَةٌ: اراده قطعی،



هنوز در عالم غیب، پنهان بودند،	بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ،
و در پوشش اصلاب و ارحام، محفوظ،	وَبِسْتَرِ الْأَهَابِ مَصُونَةٌ،
و با مرز نیستی، همنشین بودند،	وَبِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ،
دلیل انتخاب پیامبر، علم خداوند بلند مرتبه،	عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى،
به آینده و عاقبت دوران،	بِمَائِلِ الْأُمُورِ،
و احاطه کامل او، به حوادث روزگاران،	وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ،
و شناخت کامل او، به مقدرات جهان بود،	وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ،
خدای یکتا، پیامبر را مبعوث فرمود،	إِبْتَعَثَهُ اللَّهُ،
برای به انجام رسانیدن برنامه اش،	إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ،
و اراده قطعی بر ابلاغ و اجرای تصمیمش،	وَعَزِيمَةً عَلَى امْضَاءِ حُكْمِهِ،
و عملی کردن مقدرات حتمی اش.	وَأَنْفَازًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ،

### وضع مردم قبل و بعد از بعثت

او (پس از آنکه به پیامبری رسید) مردم را مشاهده کرد،	فَرَأَى الْأُمَمَ،
هر فرقه ای دینی گزیده،	فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا،
برخی به خلوت نشینی، و عبادت در آتشکده اند،	عُكْفَاءً عَلَى نِيرَانِهَا،

۴. عُكْفَاءً (عاکف، عکف): پیوسته در کنار چیزی بودن، نیران (نار): آتش، اوثان (وثن): بتها، بهم: مبهم و پیچیده، جلی: روشن ساخت،



عابِدَةٌ لِأَوْثَانِهَا،	برخی مشغول پرستش بت‌های تراشیده‌اند،
مُنْكَرَةً لِلَّهِ،	و خدای یکتا را انکار میکنند،
مَعَ عِرْفَانِهَا،	با اینکه او را به خوبی میشناسند،
فَأَنَارَ اللَّهِ، بِأَبِي مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ	خدای یکتا، با نور پدرم محمد، درود خدا براو و خاندانش،
ظَلَمَهَا،	تاریکی‌هایی که حاکم شده بود را زدود،
وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا،	و پرده‌های ابهام را، از قلب آنها کنار زد،
وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا،	و تیرگی‌ها را، از مقابل چشم‌ها برطرف ساخت،
وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ،	و در میان مردم، به هدایت برخاست،
فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ،	تا اینکه آنها را از گمراهی و خرافات، نجات داد،
وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ،	و به جای کوردلی، روشن بینشان نمود،
وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ،	و به دین استوار و با قوام، هدایت فرمود،
وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ،	و آنها را به راه راست، دعوت نمود،



## وفات رسول خدا(ص)

آنگاه (زمانی که رسالتش به پایان رسید)	ثُمَّ
خدا روح او را، با لطف و محبت، به سوی خویش کشید،	قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، قَبْضَ رَأْفَةٍ
و با اختیار و اشتیاق و انتخاب (دار بقا، بر دار فنا)	وَ اِخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيْثَارٍ
اکنون محمد، درود خدا، بر او و خاندان او،	فَمُحَمَّدًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اِلِهِ
از رنج این دنیا، راحت شده،	مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ،
فرشتگان برتر، او را در میان گرفته،	قَدْ حُفِّتْ بِالْمَلَائِكَةِ الْاَبْرَارِ،
و رضوان پروردگار آمرزنده، او را در بر گرفته،	وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ،
و در همسایگی فرمانروای چیره، جای گرفته،	وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ،
درود خدا بر پدرم، پیامبر و امین او،	صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ اَمِينِهِ،
و بهترین مردمان، و برگزیده او،	وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيَّهِ،
و سلام و رحمت و برکات خدای یکتا بر او.	وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،



## قرآن میراث پیامبر در میان امت

سپس رو به اهل مجلس کرد و فرمود:	ثُمَّ التَّفَّتْ إِلَىٰ أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَ قَالَتْ:
شما بندگان خدای یکتایید،	أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ،
مخاطبان او، و پرچمداران امر و نهی او،	نُصُبًا مَّرَهُ وَ نَهْيِهِ،
و حاملان دین و وحی او،	وَ حَمَلَةٌ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ،
و امانت داران خدا، نسبت به یکدیگر،	وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ،
و رساننده پیام او، به امت های دیگر،	وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ،
و پرچمدار و حافظ حق او در میان شماست،	وَ زَعِيمٌ حَقِّ لَهُ، فِيكُمْ،
و عهدنامه های که برایتان فرستاده، نزد شماست،	وَ عَهْدٍ قَدَّمَ إِلَيْكُمْ،
و یادگاری که باقی گذاشته شده، حاکم بر شماست،	وَ بَقِيَّةٍ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ،
کتاب گویای خدای یکتا، و قرآن راستگو،	كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ،
نوری تابنده، و روشنایی درخشنده،	وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ،
دلایل روشن و اسرار باطنی اش هویدا،	بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ،



۶. مُنْكَشَفَةٌ: ظاهر و آشکار، مُنْجَلِيَّةٌ: جلوهگر، مُغْتَبِطَةٌ (غبطه): مورد حسرت، أَشْيَاعٌ: پیروان، مُؤَدِّ: رساننده، تُنَالُ (نیل):

رسیدن، عَزَائِمٌ: واجبات  
مُحَدَّرَةٌ: منع شده،

زیباییهایش جلوه کننده، و رهروانش مورد غبطه،	مُنَجَّلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبَطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ
پیروانش را، به رضوان الهی فراخوانده و رهبری نموده،	قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِّبَاعُهُ،
و شنوندگانش را، به راه نجات کشانیده،	مُؤَدِّيًا إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ،
از طریق قرآن میتوان به حجت های روشن خدای یکتا رسید	بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ،
و واجباتی که در آن تشریح شده، و محرماتی که منع شده،	وَعَزَائِمُهُ الْمُمْسَّرَةُ وَمَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ،
و دلایل روشنگرانه، و برهان های قانع کننده،	وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ،
و فضائل پسندیده، و رخصت ها و مباح های مرحمت شده،	وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخَصُّهُ الْمَوْهُوبَةُ،
و دستورات و احکامی که واجب شده،	و شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ،

### اسرار عبادات و احکام دین

خداوند، ایمان را مقرر فرمود،	فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ،
برای پاکی شما، از شرک،	تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ،
و نماز را مقرر فرمود، برای دوری شما، از کبر و خودخواهی،	و الصَّلَاةَ، تَنْزِيهَاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ،
و زکات را، برای پاکیزگی نفس، و افزایش روزی،	و الزَّكَاةَ تَزْكِیَّةً لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ،



و روزه را، برای تحکیم اخلاص و پایداری، و حج را، برای شکوه دین و استواری،	وَالصِّيَامَ، تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ، تَشْيِيدًا لِلدِّينِ،
و عدالت را، برای پیوند قلب ها و همبستگی،	وَالْعَدْلَ، تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ،
و اطاعت ما خاندان را، برای نظم و هماهنگی،	وَطَاعَتَنَا، نِظَامًا لِلْمِلَّةِ،
و امامت مارا، برای ایمنی از تفرقه و فروپاشی،	وَأِمَامَتَنَا، أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ،
و جهاد را، برای عزت اسلام و سربلندی،	وَالْجِهَادَ، عِزًّا لِلْإِسْلَامِ،
و صبر را، وسیله ای برای شایستگی پاداش الهی	وَالصَّبْرَ، مَعُونَةً عَلَيَّا سْتِجَابِ الْأَجْرِ،
و امر به معروف را، برای اصلاحات عمومی و مردمی،	وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ،
و نیکی به پدر و مادر را، برای جلوگیری از غضب الهی،	وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ، وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ،
و صلۀ رحم را،	وَصِلَّةَ الْأَرْحَامِ،
و برای افزایش جمعیت، و عمر طولانی،	مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ،
و قصاص را، برای حفظ جان، و پیشگیری از خون ریزی،	وَالْقِصَاصَ، حِقْنَاً لِلدِّمَاءِ،

۷. عَزَائِمُ : واجبات، مُحَدَّثَةٌ : منع شده، جَالِيَّةٌ : روشن کننده، الْمُنْدُوبَةُ : توصیه شده، مُسْتَحَبٌ : رُخْصَةٌ : اجازه داده شدهها، تَنْزِيهِه : دور کردن، فَاءُ (مَنْو) : رشد کردن تَشْيِيدٌ : استواری و پابرجایی، تَنْسِيقٌ : همبستگی و انسجام، وَقَايَةٌ : محافظت در برابر، مَنْسَاءٌ : باعث طولانی شدن، مَنْمَاءٌ : وسیله رشد و نمو،

و وفای به نذر را، برای کسب آمرزش الهی،	وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ، تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ،
و کامل دادن پیمانۀ و وزن را،	وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينِ،
برای دگرگونی روحیه کم فروشی،	تَغْيِيراً لِلْبُخْسِ،
و نهی از شرابخواری را،	وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ،
برای دوری از پلیدی،	تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ،
و پرهیز از تهمت را، برای دوری از لعنت خداوندی،	وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ <sup>۱</sup> ، حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ،
و ترک دزدی را،	وَتَرْكَ السَّرِقَةِ،
الزامی برای، مصونیت از لغزش، و قدرت خودنگهداری،	اِجَاباً لِلْعِصْمَةِ،
و خدای یکتا، شرک را حرام فرمود،	وَ حَرَّمَ اللهُ الشِّرْكَ،
برای خلوص نسبت به او، در یگانه پرستی.	اِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.
"پس در کارهای تان خدا را در نظر بگیرید،	"فَاتَّقُوا اللهَ،
از مخالفت او پرهیزید، آنگونه که شایسته مقام اوست،	حَقَّ تَقَاتِهِ،
و از دنیا نروید، جز آنکه مسلمان و تسلیم امر خدا باشید"، (۱)	وَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ،"



و اطیعوا الله،	و خدارا، اطاعت نمایید،
فِي مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ،	در آنچه به آن امر و نهی شده‌اید،
فَإِنَّهُ،	و راه علم و آگاهی پیش گیرید۔ چرا که،
"إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ"	"از میان بندگان خداوند، تنها عالمان و آگاهان، در برابر عظمت خدای یکتا متواضعند"، (۲)

### معرفی خود و خدمات پیامبر

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ!	آنگاه فرمود: ای مردم!
اعلموا، أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ،	همه بدانید، من فاطمه ام، و محمد پدرم،
أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَأً،	دوباره هم می‌گویم، چنانکه در ابتدا هم بیان نمودم،
وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا،	و آنچه را می‌گویم، اشتباه نمی‌گویم،
وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا،	و در آنچه می‌کنم، راه خطا نمی‌پویم،
"لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ،	"همانا برای شما، پیامبری از میان خودتان آمد،
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ،	که رنج و محنت شما، براو دشوار، و بر نجات شما مشتاق،
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ"	و بر مؤمنان، مهربان و غمخوار است". سوره توبه آیه، ۱۲۸

و اگر خاندان و نسب او را جویا شوید، و او را بشناسید،	فَإِنْ تَعْرُوهُ، وَتَعْرِفُوهُ،
مییابید که او پدر من است، نه پدر زنان شما،	تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ،
و برادر پسرعموی من است، نه برادر مردان شما،	وَ أَخَا ابْنِ عَمِي دُونَ رِجَالِكُمْ،
و چه افتخار و نیکو نسبتی است، نسبت با او،	وَلِنِعْمَ الْمُعْرِثِيُّ إِلَيْهِ
درود خدا بر او، و بر خاندان او،	صَلَّلَا اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.
او، وظیفه ابلاغ رسالتش را، به خوبی انجام داد،	فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ،
آشکارا، هشدار میداد،	صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ،
از راه و رسم مشرکین، رو میگرداند،	مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ،
با نواختن برشانه‌ها، مردم را به پیش میراند،	ضَارِباً ثَبَجَهُمْ،
و از مقابل، آنها را به جلوسوق میداد،	أَخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ،
و به سوی پروردگار خود، فرا میخواند،	دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ،
حکیمانه دعوت میکرد، و اندرزهای نیکو میداد،	بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،



۹. شَطَطاً: ناروا، ناحق، عَنِيمٌ: به زنج و زحمت انداخته شما را، تَعْرُوهُ: نَسَب او را یاد کنی، الْمُعْرِثِيُّ إِلَيْهِ: منسوب به او، صَادِعٌ: آشکار کننده، مَائِلاً عَنِ: رویگردان از، مَدْرَجَةِ: راه و روش، ثَبَجٌ: پشت شانه، أَكْظَامٌ: گریبان‌ها، أَصْنَامٌ: بت‌ها، يَنْكُثُ: سرکوب کردن، هَامٌ: بزرگان، إِثْمَمَ: شکست خورد، تَفَرَّى: کنار زد، أَشْفَرَ: آشکار شد، مُحْضٌ: خالص،



بتهای سنگی و گلی را، میشکاند،	يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ،
و اشراف و سران مشرک و متکبر را، سرمیکوباند،	وَيَنْكُثُ الْهَامَّ،
تا اینکه جمع آنها، شکست خورد و رو به عقب گریختند،	حَتَّىٰ أَنهَزَمَ الْجَمْعُ، وَوَلَّوْا الدُّبْرَ،
و صبح ایمان، تاریکی کفر را شکافت، و سربرآورد،	وَ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ،
و حقیقت ناب، به جلوه درآمد،	وَ اسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ،
و زمامدار دین، به سخن آمد،	وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ،
و فریادهای شیاطین، خاموش گشت	وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ،
و دورویی و فرومایگی اهل نفاق، فرونشست،	وَ طَاحَ وَشِيْظُ النِّفَاقِ،
و همبستگیهای کفرو دشمنی و اختلاف، به پایان آمد،	وَ انْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ،
و زبانهای شما به لا اله الا الله به گفتن آمد،	وَ فَهْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ،
و با نفراتی رنگپریده، و شکم خالی، همزبان شدید،	فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ،



۱۰. خَرَسَ : ساکت شد، شَقَاشِقُ : غُرَش، طَاحَ : فرونشست، وَشِيْظُ : فرومایه انْحَلَّتْ : گشوده شد، فَهْتُمْ : گویا شدید، خِمَاصِ : با شکم خالی، مُدْفَقَةٌ : شیررقیق شده با آب، مُهْرَةٌ : فرصت، شَكَارٌ، قَبَسَةٌ : هیزم نیم سوخته، مَوْطِيءٌ : لگدکوب، تَفْتَاتُونَ (قوت) : غذای خود قرار میدهید، اِدْلَةٌ (ذلیل) : خوار و زبون، خَاسِيْنَ (خاسء) : سرافکننده و مطرود، يَتَخَطَّفُكُمْ (خطف) : ربودن، مُمِيٌّ : گرفتار شد، دُوبَانٍ : گرگ ها، مَرْدَةٌ (مارد) : افراد سرکش، اَوْقَدُوا : آتش افروختند، نَجَمَ : پیدا شد، سربرآورد،

## حقارت مردم قبل از اسلام

و اما، پیش از این، بر لب پرتگاهی از آتش بودید،	وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ،
همچون نوشابی برای آنها که دنبال نوشیدن اند	مُدَقَّةَ الشَّارِبِ،
و فرصتی برای آنها که در طمع شکار اند،	و نُهْزَةَ الطَّامِعِ،
و پاره آتشی، برای آنها که دنبال ربودن آتش اند،	وَقَبَسَةَ الْعِجْلَانِ،
و لگدکوب هر رونده،	و مَوْطِئِ الْأَقْدَامِ،
نوشنده آبهای آلوده و گندیده،	تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ،
و خورنده گوشت های خشکیده،	و تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ،
خوار و حقیر و رانده،	أَذِلَّةً خَاسِئِينَ،
و پیوسته در ترس و واهمه،	تَخَافُونَ،
از این که مردمان غارتگر، شما را برابیند،	أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ،
تا اینکه، خدای والا مرتبه و برکت دهنده، شما را نجات داد،	فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى،
به وسیله محمد، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،	بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
البته بعد از ماجراها و رویدادهایی چنین و چنان،	بَعْدَ اللَّتَايَا وَآلَتِي،

وَبَعْدَ أَنْ مَنَىٰ بِبُهُمِ الرَّجَالِ،  
و بعد از درگیری، با آدم‌های بیباک و بی‌پروا،

وَذُؤْبَانَ الْعَرَبِ،  
و عربهای گردنگش و درنده‌خو،

وَمَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.  
و متمرذین نافرمان یهود و نصارا،

### علی علیه السلام و فداکاری‌های او

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ،  
هر زمان آتش جنگی افروخته میشد،

أَطْفَأَهَا اللَّهُ،  
خداوند آن را خاموش میکرد،

أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ،  
و یا هرگاه شاخ شیطان سر بر می‌آورد،

أَوْ فَغَرَّتْ "فَاغِرَّةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ،  
و یا فتنه‌ای از سوی مشرکین دهان می‌گشود،

قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا،  
پیامبر، برادرش علی را، در دهان معرکه انداخت،

فَلَا يَنْكِفِي ۗ،  
و او دست بردار نبود، و سراز پا نمیشناخت،

حَتَّىٰ يَطَّأَ صِمَاحَهَا بِأَخْصِيهِ،  
تا گوش آنان را، کف پایش می‌گذاشت،

وَيُخَمِدُ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ،  
و آتش فتنه را، با آب شمشیرش، خاموش می‌ساخت،

مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ،  
در راه خدا، بسیار سختی کشیده،

۱۱. أَوْقَدُوا: آتش افروختند، نَجَمَ: پیدا شد، سر بر آورد، فَغَرَّتْ: دهان باز کرد، قَدَفَ: انداخت، لَهَوَاتِ: گلو، عمق دهان، لَا يَنْكِفِي ۗ: بر نمی‌گشت، يَطَّأَ: زیر پا گذاشتن، صِمَاحُ: سوراخ گوش، أَخْصَى: فرورفتگی کف پا، يُخَمِدُ: خاموش می‌کند، وَاِدْعُونَ: آسوده، فَاكِهِونَ: شادمان، تَتَرَبَّصُونَ: در انتظار بسر می‌برید، دَوَائِرَ: دگرگونی روزگار، تَتَوَكَّفُونَ: چشم به راه داشتن، تَتَكَبَّرُونَ: عقب نشینی کردن، نِزَالٌ: رویارویی در جنگ،

در امر خدا، بسیار کوشیده،	مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ،
مجاور و نزدیک به رسول خدا،	قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ،
سید و سالار و سروری از اولیاء خدا،	سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ،
آستین بالا، و آماده،	مُشَمَّرًا،
خیرخواه، پرتلاش، و کوشنده،	نَاصِحًا مُجِدِّدًا كَادِحًا،
و در راه خدا، بی اعتنا به سرزنش‌ها و ملامت‌ها،	لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَآئِمَةٌ.

### سرزنش رفاه طلبان و فتنه‌گران

اما شما، در رفاه و آسایش زندگی غنوده،	وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ،
در شادمانی و امنیت، با خیال آسوده لم داده،	وَادِعُونَ فَاصِحُونَ آمِنُونَ،
در انتظار دگرگونی روزگار و حوادث ناگوار برای ما، نشسته،	تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ،
و گوش به زنگ اخبار بد درباره ما هستید،	وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ،
و در هنگامه کارزار، عقب‌نشینی میکنید،	وَتَتَكُصُّونَ عِنْدَ النَّزَالِ،
و از جنگ و جهاد، فرار میکنید،	وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ،

## ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر

فَلَمَّا، إِخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ،	اما زمانی که، خدای یکتا، برای پیامبرش اختیار کرد،
دَارَ أَنْبِيَائِهِ،	سرای ابدی پیامبران را،
وَمَا أَوْىٰ أَصْفِيَائِهِ،	و آرامگاه همیشگی برگزیدگانش را،
ظَهَرَ فَيْكُمْ حَسَكَةُ <sup>۱۲</sup> النَّفَاقِ،	کینه‌های درونی، و علائم دورویی شما، ظاهر گردید،
وَسَمَلٍ جِلْبَابِ الدِّينِ،	و جامهٔ دین پوشید،
وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ،	و گمراهان خشم فرو برده، به نطق آمدند،
وَنَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ،	و فرومایگان بی نام و نشان، سر بر آوردند، و جلو آمدند،
وَهَدَرَ فَنَيْقُ الْمُبْطِلِينَ،	و نعره اهل باطل همچون شتر مست ناز پرورده به غُرش آمد،
فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ،	و در صحنه اجتماع شما، به حرکت در آمد،
وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ،	و شیطان، سرش را، از مخفی گاهش، بیرون کرد،
هَاتِفًا بِكُمْ،	و شما را به سوی خود دعوت کرد،



۱۲. حَسَكَةُ: کینه و دشمنی، سَمَلٌ: پوشید، غَاوِينَ: گمراهان، هَدَرَ: غُرغُر شتر، فَنَيْقُ: ناز پرورده شتر، خَطَرَ: جولان دادن، عَرَصَاتِ: فضاهای باز، أَطَّلَعَ: سر بر آورد، مَغْرَزُ: مخفیگاه، غَرَّةٌ: فریب و نیرنگ، اسْتَمْتَهَضَ: تحریک کرد، خِفَافٌ: سبکبال، چابک، أَحْمَشُ: به خشم آورد، وَسَمٌ: داغ کرد و نشان زد،

و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت،	فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ،
و توجه شما به فریب‌هایش را، زیر نظر داشت،	وَلِلْغَرَّةِ فِيهِ مُمْلِحِينَ،
آنگاه به تحریک شما برای قیام پرداخت،	ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ،
و شما را سبکبار و آماده تحریک یافت،	فَوَجَدَكُمْ خِفَاءً،
و شعله‌های خشم و کینه را در درون شما روشن کرد،	وَ أَحْمَشَكُمْ،
و آثار غضب را در شما نمایان دید،	فَالْفَاكُمُ غَضَابًا،

### غصب خلافت

به شتری که از آن شما نبود، علامت نهادید،	فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ،
و به آب‌شخوری که حق شما نبود، وارد شدید،	وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ،
و به غصب حکومت پرداختید	
و هنوز از رحلت پیامبر، چیزی نگذشته بود،	هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ،
و زخم این مصیبت، هنوز عمیق و باز بود،	وَالكَلْمُ رَحِيبٌ،
و جراحات قلبی ما التیام نیافته بود،	وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ،
و هنوز پیامبر خاکسپاری نشده بود،	وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ،

شتاب زده، در تعیین خلیفه-هر چه خواستید کردید،	إِبْتِدَاءً،
ظاهراً نگران هجوم فتنه‌ها بودید-فتنه‌ها را بهانه کردید-	زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ،
اما " بدانید، که خود در فتنه فرو افتادید،	"أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا،
و اینکه، جهنم بر کافران احاطه دارد". سوره توبه آیه ۴۹	وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ".
هیئات، از شما چنین انتظاری نبود!	فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ،
شما را چه شده؟ و چه می‌کنید؟	وَكَيفَ بِكُمْ،
کجا؟ و چرا کج راهه می‌روید؟	وَأَنِّي تُوفِّكُونَ <sup>۱۳</sup> ،
با اینکه، کتاب خدا، پیش روی شماست،	وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ،
مطالبش نمایان، و احکامش درخشان،	أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ،
و نشانه‌های هدایتش تابان،	وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ،
و منهیات آن پیدا، و اوامرش هویدا است،	وَزَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ،
اما شما، آن را پشت سر انداختید،	وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ،
به راستی، قصد دوری از آن را دارید؟	أَرَغَبْتُمْ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟
و بغیر آن حکم می‌کنید؟	أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ،

۱۳. کَلِمٌ : زخم، رَحِيبٌ : یاز، لَمَّا يَنْدَمِلُ : بهبود نیافته بود، تُوفِّكُونَ (افک) : به راه نادرست می‌روید، زَوَاجِرُ (زاجرة) : محدودیتها، ممنوعیتها، لَاحِظَةٌ : نمودار، خَلَفْتُمُوهُ (خلف) : پشت سر انداختید،

بئس للظالمين بدلاً،	چه بد است برای ظالمین، آنچه جای قرآن انتخاب کرده‌اند،
"وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا،	"وهرکس غیر از اسلام، راه و رسمی انتخاب کند،
فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ،	قطعاً، پذیرفته نخواهد بود،
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ،"	و در آخرت، در گروه زیانکاران خواهد بود،" س آل عمران ۸۵

### آری شما سوار بر ناقه خلافت شدید

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ،	آنگاه، درنگ نکردید، مگر به اندازه‌ای که،
أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا،	م ركب خلافت، رام شود،
وَيَسْلَسَ <sup>۱۴</sup> قِيَادَهَا،	و مهار آن و تسلط بر اوضاع آسان شود،
ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَقَدْتَهَا،	دوباره آتش فتنه‌ها را برافروختید،
وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا،	و شعله‌ها و شراره‌های آن را پیوسته تحریک کردید،
وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَا الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ،	و همواره دعوت شیطان فریبکار را، اجابت میکنید،
وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ،	و به خاموش کردن جلوه‌های انوار دین خدا را میپردازید،

۱۴. لَمْ تَلْبَثُوا (البث): درنگ نکردید، رَيْثَ: درنگ، مقداری از زمان، يَسْلَسُ: آسان و فرمانبردار شود، قِيَادَ: افسار و لگام، ثُورُونَ: آتش میافروزید، وَقَدَّةٌ: آتشزنه، جَمْرَةٌ: شراره، اخگر، هَتَا (هاتف): ندا، تَفَرَّتْ (تَفَرَّ): رم کردن غَوِيٌّ: فریبکار، تَسِيرُونَ: یواشکی، پنهانی میکنید، حَسُوا: سرکشیدن، اِزْتِغَاءِ (رغوة): کف روی شیر را خوردن، حَزَّ: بریدن، مُدِيٌّ: دشنه‌ها، وَخِرَالسَّانَ: سوزش فرورفتن نیش نیزه، حَشَا: دل و روده، تَبْعُونَ: خواستن (به ناحق)، الصَّاحِبِيَّةُ: درخشنده،



و در عمل به سنت‌های پیامبر برگزیده، اهمال میکنید،	وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّغِيرِ،
و به نحوی که کسی نفهمد کاسه شیر را تا آخر سر میکشید،	تُسْرُونَ حَسَوًا،
به این بهانه که میخواهید کف روی شیر را بگیرید،	فِي ارْتِعَاءٍ،
و بر علیه خانواده و فرزندان پیامبر قدم برمیدارید،	وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ،
آرام و مخفیانه، از پشت نهانگاهها، تپهها و انبوه درختان،	فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَائِ،
و باید تحمل کنیم، آنچه از شما بر ماست،	وَنَصِيرُ مِنْكُمْ،
که همانند زخم دشنه بر حنجره‌هاست،	عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى،
و سوزش هنگام فرو رفتن نیزه در دلهاست،	وَوَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا،

### دادخواهی در باره غصب فدک در برابر ابوبکر

و اکنون گمان میکنید، که ارثی برای ما نیست،	وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ، أَنْ لَأِثْرَ لَنَا،
آیا همان سنت جاهلی را دنبال میکنید؟	أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ،
و چه حکمی، از حکم خدا بهتر، برای اهل یقین،	وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

آیا شما این مسائل را نمی دانید؟ البته، که میدانید،	أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَىٰ،
و همانند آفتاب درخشنده، برایتان هویداست،	قَدْ تَجَلَّىٰ لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ،
که من دختر پیامبر هستم،	أَنِّي ابْنَتُهُ.
ای مسلمانان! سزاوار است ارث من، به زور از من گرفته شود؟	أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبُ عَلَىٰ ارْثِي؟
ای پسرابی قحافه، آیا این در کتاب خدا نوشته شده؟	يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَلَا فِي كِتَابِ اللَّهِ،
که تواز پدرت ارث ببری، و من از پدرم ارثی نداشته باشم؟	أَنْ تَرِثُ أَبَاكَ، وَلَا أَرِثُ أَبِي؟
چه دروغ عجیب و بی سابقهای به هم بافتهاید،	لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا فَرِيًّا <sup>۱۵</sup> ،
آیا عمداً، کتاب خدا را ترک کرده اید؟	أَفَعَلَىٰ عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ،
و آن را پشت سر انداخته اید؟	وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ،
قرآن میگوید: "سلیمان از داود ارث بُرد"، (۱)	إِذْ يَقُولُ: "وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ"،
و در داستان زکریا نیز، چنین است:	وَقَالَ فِيمَا اقْتَضَ مِنْ خَيْرِ زَكَرِيَّا،
آنجا که فرمود: "پروردگارا، مرا فرزندی عنایت فرما،	إِذْ قَالَ: "فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا،



۱۵. شَيْئًا فَرِيًّا: چیز عجیب و نادرستی، که به هم بافته باشند. (۱) سوره نمل آیه ۶۱، (۲) سوره مریم آیه ۶ و ۵، (۳) سوره انفال آیه ۵۷،  
(۴) سوره نساء آیه ۱۱ (۵) س بقره آیه ۰۸۱،

تا از من و از خاندان یعقوب ارث برد"، (۲)	يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ"،
و در کتاب خدا فرمود: "و خویشاوندان رحمی	وَقَالَ: "وَأُولُوا الْأَرْحَامِ،
-در ارث- بعضی بر بعض دیگر سزاوارترند"، (۳)	بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ"،
و فرمود:	وَقَالَ:
"خدای تعالی شما را، به ارث فرزندان، سفارش میکند،	"يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ،
که پسر، دو برابر دختر، بهره میبرد"، (۴)	لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ"،
و فرمود: "اگر مالی باقی بماند،	وَقَالَ: "إِنْ تَرَكَ خَيْرًا،
به شایستگی، برای پدران و مادران و خویشان وصیت شود،	الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ،
که این حقی است بر عهده پرهیزگاران"، (۵)	حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ".
و شما چنین گمان بردید، که برای من بهره‌ای نیست؟	وَزَعَمْتُمْ، أَنْ لَا حُظُوتَ لِي،
و سهمی از ارث پدرم برای من نیست؟ و نسبت خویشاوندی بین ما نیست؟	وَلَا آرِثُ مِنْ أَبِي، وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا،
آیا خداوند آیه‌ای خاص برای شما نازل کرده،	أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ،

و پدرم را از این حکم خارج کرده؟	أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟
یا اینکه میگویید؟	أَمْ هَلْ تَقُولُونَ:
پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی‌برند؟	إِنَّ أَهْلَ الْإِسْلَامِ لَا يَتَوَارَثُونَ؟
آیا من و پدرم، از یک دین و مذهب نیستیم؟	أَوَلَسْتُ أَنَا وَأَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟
آیا شما به عام و خاص قرآن، داناترید؟	أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ،
از پدر و پسر عمومی من؟	مِنْ أَبِي وَأَبْنِ عَمِّي؟

### عذاب قیامت برای غاصبان

حالاً که چنین است، بگیرارث من از آن شما۔	فَدُونَكُهَا
همچون شتری مهارزده و آماده استفاده است،	مَخْطُومَةٌ <sup>۱۶</sup> مَرْحُومَةٌ،
اما روزی که از خاک برخیزی، دوباره آن را میبینی،	تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ،
و چه نیکوداوری است، در آن روز، خداوند،	فَنِعْمَ الْحَاكِمُ اللَّهُ،
و چه نیکو پیشوایی است، محمد،	وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ،
و چه نیکو وعده‌گاهی است، قیامت،	وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ،

۱۶. حُطُوتٌ: بهره و نصیب، مَخْطُومَةٌ: لجام زده، مهار شده، مَرْحُومَةٌ: زین کرده و آماده حرکت، (به زین شتر، رحل میگویند)،

و در آن زمان، اهل باطل همگی زیان کار باشند،	وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ،
و پشیمانی، در آن زمان، فایده‌ای نداشته باشد،	وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَتَدَمُّونَ،
"و هر خبری که خدا داده، زمان وقوعی دارد،	"وَلِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ،"
و به زودی خواهید فهمید"، س انعام ۶۷	وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ،
"که عذاب خوارکننده، بر چه کسی فرود آید،	"مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ،
و عذاب جاودانه، بر چه کسی روا باشد". س زمر ۳۹	وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ،"



### سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان

آنگاه به سوی انصار نظر کرد،	ثُمَّ رَمَتْ بِظَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ،
و فرمود: ای بزرگان و سروران امت،	فَقَالَتْ: يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ،
و ای بازوان و حامیان ملت،	وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ،
و ای پاسداران و حافظان اسلام،	وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ!
این چه قصور و کوتاهی است، در حق من؟	مَا هَذِهِ الْعَمِيْزَةُ <sup>۱۷</sup> فِي حَقِّي،

۱۷. عَمِيْزَةُ: قصور و کوتاهی، سِنَّةٌ: خواب کوتاه، چُرْتُ زدن، اَزَاوُلُ: در نظر دارم، حَطَبٌ: رویداد، مَصِيْبَتٌ، فَتْحٌ: شکاف، چاک، پارگی، اِسْتَمَهَرَ: گشاد شد، اِنْفَتَحَ: پاره شده، رَتِقٌ: همبستگی، به هم دوختن، اِنْتَشَرَتْ: پراکنده شد، اُكْدَتِ: ناکام ماند،

و این چه تسامحی است، نسبت به دادخواهی من؟	وَالسِّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟
آیا پدرم پیامبر، درود خدا بر او و خاندانش، نمی فرمود:	أَمَا كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ:
احترام هرکس، در احترام به فرزندانش باقیست؟	الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ،
چه سریع، اوضاع را دگرگون کردید،	سَرَعَانَ مَا أَحَدْتُمْ،
و چه زود، به آنچه زمانش نرسیده بود، اقدام کردید؟	وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ،
با اینکه، شما توان آنچه را دنبال آن هستیم، دارید،	وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ،
و قدرت حمایت از خواسته و هدف مرا، دارید،	وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ.
چه شده آیا می گوئید: دیگر محمد مرده و همه چیز تمام شده	أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟
آری، مصیبتی بس بزرگ، رخ داده،	فَخَطْبُ جَلِيلٍ،
ضعف و سستی، حاصل از آن مصیبت، فراگیر شده،	إِسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ،
و شکاف ایجاد شده، دامنه دار، و بازتر شده،	وَاسْتَنْهَرَ فَتَقُهُ،
و همبستگی ملت، به گسستگی تبدیل شده،	وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ،



و در غیبت پیامبر، تاریکی همه جا را فرا گرفته،	وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِعِيبَتِهِ،
و خورشید و ماه، گرفته و کم فروغ شده،	وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ،
و ستارگان در مصیبت او، پراکنده گشته،	وَأَنْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ،
و آرزوها، به نومیدی گرائیده،	وَأَكْدَتِ الْأُمُلُ،
و کوه‌ها، سرفروود آورده،	وَوَخَّشَعَتِ الْجِبَالُ،
و حریم‌ها، ضایع و بی اعتبار شده،	وَأَضْيَعَ الْحَرِيمُ،
و با رفتن او دیگر حرمتی باقی نمانده،	وَأَزِيلَتِ الْحُرْمَةَ عِنْدَ مَمَاتِهِ.
به خدا سوگند که، این است، همان فاجعه کبیره،	فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى،
و همان مصیبت عظیمه، که به مانند آن نازل نشده،	وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثَلَهَا نَازِلَةٌ،
و بلای جانگدازی در این سرا، به پای آن نرسیده،	وَلَا بَأْتِقَةً <sup>۱۸</sup> عَاجِلَةً،
و البته کتاب خدای جلیل، قبلاً از آن، خبر داده،	أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ، جَلَّ ثَنَاؤُهُ،
کتابی که در محضر شماست، و هر صبح و شام میخوانید،	فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ،
و با صدای بلند و رسا قرائت میکنید،	يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صُرَاخًا،

۱۸. قَيْلَةٌ: زنی با شرافت که نسب انصار به او منتهی میگردد بآئِقَةٌ: بلای جانگداز، أَفْنِيَّتِكُمْ: آستانه، محضر، هُتَاف: صدای بلند، صُرَاخ: فریاد

یا بالحن خوش تلاوت مینمایید،	وَتِلَاوَةً وَالْحَانَأُ،
والبته، پیش از او نیز، برای دیگر انبیاء خدا، اتفاق افتاده،	وَلَقَبَلَهُ، مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ،
حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی،	حُكْمٌ فَضْلٌ، وَقَضَاءٌ حَتْمٌ.

### و آنچه در کتاب خداست، این است

"محمد، تنها فرستاده خداست،	"وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ،
که پیش از وی پیامبران دیگری نیز بوده‌اند،	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ،
اگر بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید،	أَفَانُمَاتٍ أَوْ قُتِلَانُ قَلْبَتُمْ عَلَاءَ عَقَابِكُمْ،
البته هرکس به عقب برگردد،	وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ،
کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند،	فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً،
و به زودی، خدا، شاگران را پاداش میدهد"، آل عمران آیه ۱۴۶	وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ،

### حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمیکنید؟

هان عجباً! ای فرزندان قبیله و گروه انصار!	إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ!
آیا حق من از میراث پدرم ظالمانه از من گرفته شود؟	ءَأَهْضَمُ ۱۹ تُرَاثَ أَبِي،



وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِثِّي، وَمَسْمَعٍ	در حالیکه شما میبینید و میشنوید،
وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ،	و در جلسات و مجامع مخاطب هستید؟
تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةَ،	و دعوت من شما را فرامی گیرد،
وَتَشْمَلُكُمُ الْخَبْرَةَ،	و خبرها فراگیر است،
وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ،	و نفرات و آمادگی کامل دارید،
وَالْأَدَاةَ وَالْقُوَّةَ،	و ابزار و نیروی کافی در اختیارتان هست،
وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ،	و سلاح جنگی و سپر هم دارید،
تُؤَافِكُمُ الدَّعْوَةَ،	اما، با اینکه به حدکفایت، صدای دعوت، به شما میرسد،
فَلَا تُجِيبُونَ،	اجابت نمی کنید،
وَتَأْتِيكُمُ الصَّرْحَةُ، فَلَا تُغِيثُونَ،	و فریاد استغاثه به گوشتان میرسد، و فریادرسی نمیکنید،
وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ،	به جنگآوری و بیباکی، زبانزدید،
مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ،	و به اهل خیر و صلاح معروفید،
وَالنُّخْبَةَ الَّتِي انْتُخِبْتُ،	و برجسته‌گانی هستید، که انتخاب شده‌اید،
وَالْخَيْرَةَ الَّتِي اخْتِيرْتُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ،	و اهل خیری هستید، که برای ما اهل بیت برگزیده شده‌اید،
قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ،	با جماعت عرب پیکار کردید،



و متحمل رنج و خستگی زیادی شدید،	وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ،
و با گردنکشان اقوام، شاخ به شاخ شدید،	وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ،
و پنجه در پنجه حریفان سرسخت انداختید،	وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ،
تا بود، اینگونه بود، که باهم حرکت میکردیم،	لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ،
ما فرمان میدادیم، و شما فرمان میبردید،	نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ،
تا اینکه	حَتَّى،
آسیای اسلام، با محوریت ما، به گردش درآمد و چرخید،	إِذَا دَارَتْ بِنَا <sup>۲</sup> ، رَحْمًا لِاسْلَامِ،
و شیرپستان روزگار، و خیر و برکت، به فراوانی رسید،	وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ،
و نعره‌های نخوت آمیز شرک، کمکم، به سردی گرایید،	وَ خَضَعَتْ نَعْرَةُ الشِّرْكِ،
و فوران دروغ و تهمت، فروکشید،	وَ سَكَتَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ،
و آتش کفر، به خاموشی گرایید،	وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ،
و دعوت به هرج و مرج و آشوب، کم کم بیارامید،	وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْهَرْجِ،



۲۰. تَشْمَلُكُمْ: شامل شما میشود، کفاح: جنگاوری، نَاطَحْتُمْ: شاخ به شاخ شدید، بَهَمَ (بهمه): دلبران، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ: تا شما نمیآمدید، ما نمیرفتیم، بَرَح: حرکت از جایی به جایی، تَحَمَّل سَخْتِ، دَارَتْ بِنَا: به چرخش درآمد، بر محور ما، رَحَى: سنگ آسیاب، دَرَّ: فراوان شد.

و نظام دین انسجام یافت، و به سرو سامان رسید،	وَاسْتَوْسَقَ نِظَامَ الدِّينِ،
چه شد، که بعد از روشن شدن حق، چنین حیرانید؟	فَأَنَّى حُرَّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ،
و پس از آشکار شدن، حقیقت را پوشیده میدارید؟	وَاسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ،
و بعد از پیشقدمی، عقب نشینی کردید؟	وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ،
و بعد از ایمان، راه شرک در پیش گرفتید؟	وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟
بدا به حال مردمی که "سوگندهایشان را شکستند،	بُؤْسًا لِّقَوْمٍ "نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ،
بعد از اینکه پیمان بستند،	مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ،
و در بیرون راندن پیامبر اتمام کردند،	وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ،
و نخستین بار، پیکار را آنان شروع نمودند،	وَ هُمْ بَدَؤُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ،
آیا از آنها میترسید؟ (چرا با آنها مبارزه نمیکنید)	أَتَخْشَوْنَهُمْ،
در حالیکه سزاوار تر است که، از خدای یکتا، بترسید،	فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ،
اگر اهل ایمانید، " قسمت هایی از آیه ۱۳ سوره توبه	إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ "
آگاه باشید، من چنین میبینم که:	الْأُ، وَقَدْ أَرَى،

شما در راحت طلبی زمین گیر شده‌اید،	أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ السَّالْخَفِضِ،
و دور ساخته‌اید، کسی را که، سزاوارترین فرد است،	وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ،
به کم‌زیاد کردن، و دخل و تصرف و تدبیر امور،	بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ،
و در گوشه فراغت، به آرامش روی آورده‌اید،	وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ <sup>۲۱</sup> ،
و خود را از فقر و تنگنا، به گشایش رسانیده‌اید،	وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ،
نتیجه آنکه، بیرون انداختید، آنچه را فرا گرفته بودید،	فَمَجَجْتُمْ، مَا وَعَيْتُمْ،
و بالا آوردید، آنچه را به گوارایی فرو برده بودید،	وَ دَسَعْتُمْ، الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ،
پس "بدانید، اگر شما کافر شوید، سوره ابراهیم آیه ۸	"فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ،
و حتی هر که در روی زمین است کافر شود،	وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً،
خدای بزرگ، از همگان بی‌نیاز و ستودنی است."	فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ".
آگاه باشید، آنچه لازم بود بگویم، را گفتم،	أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا،



۲۱. هَدَأْتُ : ساکت شد، اِسْتَوْسَقَ : انسجام یافت، حُرْتُمْ : حیران شدید، حِرْتَم : رو برگردانید، نَكَصْتُمْ (نکص) : عقب گرد، نَكْتُوا (نکت) : عهد شکنی، خَفِضُ : راحتی‌دَعَة : فراغت،

با اینکه شما را به خوبی میشناسم و میدانم	عَلَى مَعْرِفَةِ مِنِّي،
که یاری نکردن، آمیخته با سرشت شماست،	بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرَتْكُمْ،
تنها گذاشتن و وفا نکردن، فراگیر قلوب شماست،	وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرَتْهَا قُلُوبُكُمْ،
و این شکوه‌ها! سرریزاندوه و نگرانی‌های متراکم بود،	وَلَكِنَّهَا فَيِضَةُ النَّفْسِ،
و آه دلی خشمگین و برافروخته،	و نَفْثَةُ الْغَيْظِ،
و سستی و ناتوانی حامیانی برای تکیه،	و خَوْرُ الْقَنَاةِ،
و بروز غصه‌های انباشته و نهفته در سینه،	و بَثَّةُ الصَّدْرِ،
و اتمام حجّتی برای همه،	و تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ،

### هشدار به غاصبین خلافت

حالا دیگر (فدک و خلافت)، برای شما، بگیرد آنها را،	فَدُونَكُمْوَهَا،
اینک، تنگ بیندید پالان این ناقه را، که پشت او زخم دیده،	فَاخْتَقِبُوهَا، دَبْرَةَ الظَّهْرِ،
پایش تاول زده و ساییده-و قابل سواری نیست-	نَقَبَةَ الْخُفِّ،
ننگ آن باقی است،	بَاقِيَةَ الْعَارِ،

و داغ غضب چیره الهی، برای او نشانه ایست،	مَوْسُومَةً <sup>۳۳</sup> بِغَضَبِ الْجَبَّارِ،
و رسوایی و بدنامی او همیشگی و ابدی ست،	و شَارِ الْأَبَدِ،
و سرانجام به آتش برافروخته الهی خواهد رسید،	مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ،
آتشی که بردل‌ها شعله خواهد کشید	الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ.
پس بدانید، آنچه می‌کنید، پیش چشم خداست،	فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ،
"و آنانکه ستم کردند، به زودی میدانند، که بازگشتشان به کجاست"، سوره شعراء آیه ۲۲۷	"و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا، أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ"،
و منم دختر همان پیامبری که هشدار میداد، به عذاب سختی، که پیش روی شماست،	وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ، بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ،
پس هرچه خواهید بکنید، ما نیز به کار خود هستیم،	فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ،
و منتظر باشید، ما هم در انتظاریم.	وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.



۲۲. مَجْجَمٌ (مَج): بیرون انداختن از دهان، وَعَيْتُمْ (وعاء): در خود جای دادید، دَسَعْتُمْ: قی کردید، تَسَوَّعْتُمْ (ساع): به آسانی فرو بردن، خَامَرْتُمْ: با شما آمیخته شده، غَدْر: پیمان شکنی، اَشْتَشَعَرْتُ: پوشانیده است، فَيُض: سرریز شدن، نَفَث: بیرون ریختن، آه، خُور: سستی، بَيْتَةٌ (بَيْت): آشکار کردن و بیرون ریختن غم، حُف: کف پای شتر، مَوْسُومَةً: داغ و نشانهای که بر حیوان می‌زنند شَنَار: عار و ننگ.

پاسخ ابوبکر

ابوبکر جواب گفت:	فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ:
خدا و پیامبرش، راست گفته، و دختر او هم، راست گفته،	صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ،
معدن حکمتی،	مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ،
و کانون هدایت و رحمت،	وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ،
ورکن دین و شریعت،	وَرُكْنُ الدِّينِ،
و چشمه جوشان برهان و حجت،	وَعَيْنُ الْحُجَّةِ،
من صحت گفتار تو را رد نمیکنم،	لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ
و سخنانت را، انکار نمیکنم،	وَلَا أَنْكِرُ خَطَابَكَ،
این مسلمانانند، که بین من و تو داوژند،	هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ،
اینها به گردن من انداختهاند،	قَلَّدُونِي،
خلافتی را که من برعهده گرفتم،	مَا تَقَلَّدْتُ،
و با اجماع آنها، این منصب را به دست گرفتم،	وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ،
نه متکبر بودهام و نه خودرایی کردهام،	غَيْرَ مَكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدِّ
و نه خود را بر دیگران مقدم داشتم،	وَلَا مُسْتَأْثِرٍ،
و همگی بر این مطلب، گواه و شاهدند،	وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ،

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان

فالتفت فاطمة عليها السلام،	آنگاه حضرت فاطمه عليها السلام روی خود را برگرداند،
الى الناس، وقالت: معاشر المسلمین،	به طرف مردم حاضر، و فرمود: ای جماعت مسلمین!
المسرعة إلى قیل الباطل،	شتابان، به سوی حرف های باطل، میروید،
المغضية، علی الفعل القبیح الخاسر،	و بر کارهای زشت و زیانبار، چشم میپوشید،
أفلا تتدبرون القرآن،	آیا در قرآن با مذاقه نمی اندیشید؟
أم علی قلوب أقفالها، كلاً، بلران علقلوبكم،	یا دلهایتان قفل خورده، و نمیفهمید؟ نه، بلکه بردلهایتان، زنگار گرفته،
ما أسأتم من أعمالكم،	به خاطر، اعمال ناشایست و نکوهیده،
فأخذ بسمعكم و أبصاركم،	و گوش و چشم شما را بسته و در اختیار گرفته،
ولیس ما تأولتم،	و چه ناروا تأویل کرده و چه مصداق بدی مقرر کرده‌اید،
وساء ما به أشرتكم،	و چه راه بدی را نشان داده اید،
و شر ما منه اعتصتم،	و جابجایی و معاوضه بدی، انجام داده‌اید،





لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ، مَحْمَلَهُ ثَقِيلًا،	به خدا سوگند! بار آن راسنگین،
وَعِبَّهٗ <sup>۲۳</sup> وَبِيَلًا،	و عاقبت آن رانگین، خواهید یافت،
إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ،	زمانیکه، پرده‌ها کنار رود،
وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ،	و زیان‌های ناپیدا، پدیدار گردد،
وَبَدَّلَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ،	و از جانب پروردگارتان، برای شما ظاهر و پیداشود،
مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ،	چیزی را که، به فکرتان هم نمیتوانست برسد،
وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ،	و آنجاست که اهل باطل، زیانکار شوند،

